

نوروز نزدیکاست ...
 آرامبخندید ... آرام... مبادا صدا پتانیه
 خانهیگر بمیدینهبهر سد،
 در مدینه، بانوی خانهیعلیدر بستر است،
 نفس کشید نبرایش بسیدشوار
 راستینمیدانما یروز ها چه کسیمو یزینبراشانهمیزند!!!
 آرامبخندید دلحسناً شوباست، کوچه، در، دیوار ...
 خدایمندستیبیلنداستبررویمادر ...
 آری تماماینها مدام در ذهنشمرور میشود
 آرامبخندید تشنه لبیکر بلا خرد سال استومادر...
 مبادا تر کبر دارد، چینیناز کتنه یایبانخانه..



یا مقلب، قلبمندر دستتوست
 یا محول، حالمنسر مستتوست
 کنتوتدبیر یکهدر لیلونهار
 حالقلبمنشود همچوپهار
 یا مقلب، قلباوار اشادکن
 یا مدبر، خانهاش بادکن
 یا محول، احسانا حالشما
 خدایار حمتتر ادر روزها یا آخر سالبر کسانیکه پرایمانعزیزند جار یکنامینیار بالعالمین



حدیث ماه

إِنَّ أَعْجَلَ الطَّاعَةِ تَوَابًا لِّصَلَةِ الرَّحْمِ؟

نزدیکترین و سریعترین طاعت در تواب، پیوند با خویشان است.

ختم 20 هزار صلوات جهت شادی روحشدها، در گذشتگان و سلامتی متولدين

این ماه سه ماه خانواده شما هزار صلوات

تعداد صلواتهای فرستاده شده تا این زمان 340.000 صلوات

بهتر از کیمیا

در سفری امام خمینی (ره) در صحن حرم امام رضا (ع) با حاج حسنعلی نخودکی مواجه می‌شوند. امام امت (ره) که در آن زمان شاید در حدود سی الی چهل سال بیشتر نداشت وقت را غنیمت شمارد و به ایشان می‌گوید با شما سخنی دارم. حاج حسنعلی نخودکی می‌گوید: من در حال انجام اعمال هستم، شما در بقعه حر عاملی (ره) بمانید من خودم پیش شما می‌آیم.

بعد از مدتی حاج حسنعلی می‌آید و می‌گوید چه کار دارید؟

امام (ره) خطاب به ایشان رو به گنبد و بارگاه امام رضا

(ع) کرد و گفت: تو را به این امام رضا، اگر (علم)

کیمیاداری به ما هم بده؟

حاج حسنعلی نخودکی انکار به داشتن علم (کیمیا)

نکرد بلکه به امام (ره) فرمودند: اگر ما «کیمیا» به شما

بدهیم و شما تمام کوه و در و دشت را طلا کردید آیا

قول می‌دهید که به جا استفاده کنید و آن را حفظ

کنید و در هر جایی که کار نیرید؟

امام خمینی (ره) که از همان ایام جوانی صداقت از



وجودشان می‌بارید، سر به زیر انداختند و با تفکری به ایشان گفتند: نه نمی‌توانم چنین قولی به شما بدهم.

حاج حسنعلی نخودکی که این را از امام (ره) شنید روبه ایشان کرد و فرمود: حالا که نمی‌توانید «کیمیا» را حفظ کنید من بهتر از کیمیا را به شما یاد می‌دهم و آن این است:

بعد از نمازهای واجب یک بار آیه الکرسی را تا «هو العلی العظیم» می‌خوانی.

و بعد تسبیحات فاطمه زهرا سلام الله علیها را می‌گویی.

و بعد سه بار سوره توحید «قل هو الله احد» را می‌خوانی.

و بعد سه بار صلوات می‌گویی: اللهم صل علی محمد و آل محمد

و در آخر هم سه مرتبه آیات ۲ و ۳ سوره طلاق را می‌خوانی

که این از کیمیا برایت بهتر است.

مربع ذریمانی

علت شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به روایت اسناد

از سوالات اساسی در ماجرای آتش زدن خانه حضرت علی (ع) و اهانت به آن بزرگوار این است که: آیا (چنان که شیعیان می‌گویند) به ساحت حضرت فاطمه زهرا (س) نیز جسارت کردند؟ و بر آن حضرت صدماتی وارد شد که منجر به شهادت او و فرزندش گردید یا خیر؟

برخی از دانشمندان اهل سنت برای حفظ موقعیت خلفا از بازگو کردن این قطعه از تاریخ خودداری نموده‌اند؛ از جمله ابن ابی الحدید در شرح خود می‌گوید: «جسارتی را که مربوط به فاطمه زهرا (س) نقل شده، در میان مسلمانان تنها شیعه آن را نقل کرده است.

البته برخی از دانشمندان و مورخان

اهل سنت، در این بخش، از بیان

واقعیات تاریخی شانه خالی

کرده‌اند؛ چنان که سید مرتضی (ره)

در این زمینه می‌گوید:

«در آغاز کار، محدثان و تاریخ

نویسان از نقل جسارت‌هایی که به

ساحت دختر پیامبرگرامی

اسلام (ص) وارد شده امتناع نمی‌کردند.

این مطلب در میان آنان مشهور بود که مأمور خلیفه‌ها فشار، درب را بر فاطمه (س) زد و او فرزندی را که در رحم داشت سقط نمود و قنفذ به امر عمر، فاطمه زهرا (س) را زیر تازیانه گرفت تا او دست از علی بردارد؛ ولی بعدها دیدند که نقل این مطالب با مقام و موقعیت خلفاء سازگاری ندارد؛ لذا از نقل آنها خودداری نمودند.»

مسعودی در قسمتی از کتاب خود آورده است: «فَوَجَّهُوا إِلَىٰ مَنزِلِهِ فَجَمَعُوا عَلَيْهِ وَ أَخْرَقُوا بِأَنَّهُ... وَ ضَمَّتْهَا سَيِّدَةُ النِّسَاءِ بِأَلْبَابِ حَتَّىٰ اسْقَطَتْ مَخْسِنًا؛ پس (عمر و همراهان) به خانه علی (ع) رو کرده و هجوم بردند، خانه آن حضرت را به آتش کشیدند؛ با در به پهلوی سیده زنان عالم زدند؛ چنان که محسن را سقط نمود.»

منابع اهل سنت:

- ۱ - عبدالکریم بن احمد شافعی شهرستانی (۵۴۸ - ۴۷۹ ق.)، نقل کرده: «إِنَّمَا ضَرَبَ بَطْنُ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّىٰ أَلْقَتْ أَلْحَنِينَ مِنْ بَطْنِهَا، به راستی عمر در روز بیعت، ضربتی به فاطمه (ع) وارد کرد که بر اثر آن، جنین خویش را سقط نمود.»
- ۲ - همین قول را اسفراینی (متوفای ۴۲۹ ق.)، به نظام نسبت داده و گفته است که او قائل بود: «أَنَّ عُمَرَ ضَرَبَ فَاطِمَةَ وَ مَنَعَ مِيرَاثَ لَعْنَتِهِ، عمر فاطمه (ع) را زد و از ارث اهل بیت جلوگیری کرد.»
- ۳ - صفدی یکی دیگر از علمای اهل سنت می‌گوید: «إِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بَطْنًا فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّىٰ أَلْقَتْ أَلْحَنِينَ مِنْ بَطْنِهَا، به راستی عمر آن چنان فاطمه (ع) را در روز بیعت زد که محسن را سقط نمود.»
- ۴ - مقاتل بن عطیه می‌گوید: «ابا بکر بعد از آن که با تهدید و ترس و شمشر از مردم بیعت گرفت، عمر و قنفذ و جماعتی را به درب خانه علی (ع) و زهرا (س) فرستاد. عمر هیزم را در خانه فاطمه جمع نمود و درب خانه را به آتش کشید، هنگامی که فاطمه زهرا (س) پشت در آمد، عمر و اصحاب او جمع شدند و عمر آن چنان حضرت فاطمه (س) را پشت در فشار داد که فرزندش را

سقط نمود و میخ دربه سینه حضرت فرو رفت (و بر اثر آن صدمات) حضرت به (بستر) بیماری افتاد تا آن که از دنیا رفت.»

ب. منابع شیعه:

نظر دانشمندان شیعه و روایات نقل شده از سوی آنان چنین است:
هنگامی که خواستند علی (ع) را به مسجد ببرند با مقاومت فاطمه (س) روبرو شدند و فاطمه (س) برای جلوگیری از بردن همسر گرامی اش صدمه‌های روحی و جسمی فراوانی دید که بیان همه آنها از توان زبان و قلم خارج است؛ فقط به گوشه‌ای از آن در یک نقل تاریخی اشاره می‌کنیم؛ وگرنه در این موضوع، نقل هیاتاریخی فراوان است.

خلاصه ماجرا همان است که در نامه خود عمر به معاویه آمده است. در بخشی از آن چنین می‌نویسد:
«... وقتی درب خانه را آتش زدیم (آن گاه داخل خانه شدم) ولی فاطمه درب خانه را حجاب خود قرار داد و مانع از دخول من و اصحابم شد. با تازیانه آن چنان بر بازوی او زدیم که مانند دملج (بازوبند) اثر آن بر بازوی او ماند؛ آن گاه صدای ناله او بلند شد؛ چنان که نزدیک بود به حال او رقت کنم و دلم نرم شود؛ ولی به یاد کشته‌های بدر و احد که به دست علی کشته شده بودند... افتادم، آتش غضبم افروخته‌تر شد و چنان لگدبیر درب زدم که از صدمه آن جنین (و به نام محسن) سقط شد.»

" فَعِيْنَدُ ذَلِكُ صَرَحَتْ فَاطِمَةُ صَرَحَةً... فَقَالَتْ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَكَذَا كَانَ يُغْلَبُ خَبِيْبِيَّتِكَ وَ إِبْنِيَّتِكَ... ؛ در این هنگام، فاطمه چنان ناله زد، پس فریاد زد: ای پدر بزرگوار! ای رسول خدا! این چنین با عزیز دلت و دخترت رفتار کردند. " سپس فریاد کشید: فضا به فریادم برس که فرزندم را کشتند. سپس به دیوار تکیه داد و من او را به کنار زده، داخل خانه شدم. فاطمه در آن حال می‌خواست مانع (بردن علی) شود، مناز روی روستی چنان سیلی به صورت او زد که گوشواره از



گوشش به زمین افتاد...»

آن چه بیان شد و قلم با صد شرمساری آن را بر صفحه کاغذ آورد، تنها گوشه‌هایی از ستم‌هایی است که بر آن بانوی دو جهان رفته است.

درباره تاریخ شهادت حضرت زهرا(س) روایات مختلفی وجود دارد است. و از چهل روز تا شش ماه بعد از رحلت پیامبر(ص) بیان شده است. اما میان علمای شیعه، دو احتمال معتبر است: هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پیامبر(ص) یا نودوپنج روز بعد از رحلت ایشان.

علت اختلاف نظر در تاریخ شهادت آن حضرت

بنابراین با توجه به رحلت پیامبر اسلام(ص) در بیست و هشتم صفر، بنا به روایت هفتاد و پنج روز، در مورخه سیزدهم تا پانزدهم جمادی الاول، شهادت حضرت زهرا(س) است و این ایام را فاطمیه اول می‌خوانند.

اما بنا به روایت نود و پنج روز، شهادت حضرت(س) در سوم تا پنجم جمادی الثانی است و این ایام را فاطمیه دوم می‌خوانند.

اما در عرف، به دهه دوم جمادی الاول، از دهم تا بیستم جمادی الاول که بنا بر قول ۷۵ روز، شهادت آن بانوی بزرگوار در آن واقع شده است دهه فاطمیه اول و به دهه اول جمادی الثانی از اول تا دهم جمادی الثانی، که طبق قول ۹۵ روز، شهادت حضرت زهرا(س) در آن واقع شده است، دهه فاطمیه دوم گفته می‌شود.

حال کدامیک از این دو روایت به حقیقت نزدیکتر است؟ حضرت زهراى مرضیه ۷۵ روز پس از شهادت پدر به ایشان پیوستند یا ۹۵ روز؟ به یقین ائمه معصومان(ع) پس از شهادت حضرت زهرا(س) تاریخ دقیق را بیان کرده و یک نقل قول بیشتر ندارند، اما به نظر من منشا این اختلاف ساختار خط کوفی قدیم است. این خط فاقد «نقطه» بود، بنابراین هیچ بعید نیست که در سده‌های پس از شهادت «سبعین» را «تسعین» خوانده باشند.

پیشینه نوروز

عید نوروز را می‌توان از قدیمی‌ترین اعیاد ایرانیان نام برد. این جشن و جشن مهرگان(که با آغاز فصل زمستان برپا می‌شد) از بزرگترین عیدها برشمرده می‌شد. نوروز در روزگار "جمشید" چهارمین پادشاه دوره پیشدادی پدید آمد و بر پادشاهی او به صورت آئین درآمد. مسعودی در التنبیه و الاشراف آورده است: هرگز در روز نخست ماه فروردین به مظالم (دادگری) نشست. پس آن روز را «نوروز» نام کرد و سنت گشت.

فردوسی نیز در داستان پدید آمدن نوروز نقل می‌کند: وقتی جمشید از کارهای کشوری بیاسود بر تخت کیانی نشست و همه بزرگان لشکری و کشوری بر گرد تخت او فراهم آمدند. جمشید آن روز را که نخستین روز از فروردین و آغاز سال بود، "نوروز" نامید و جشن گرفت.

به جمشید گوهر افشاندند مرآن روز را روز نو خواندند

چنین روز فرخ از آن روزگار بمانده از آن خسروان یادگار

جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می‌شد و ابوریحان نیز با آن که جشن را به جمشید منسوب می‌کند یادآور می‌شود که: آن روز که روز تازه‌ای بود جمشید عید گرفت؛ اگر چه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود.

کتاب «آثار الباقیه» اثر ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ هجری قمری) است. او می‌نویسد: سال نزد فارسیان چهار فصل بود. بر حسب این فصول عیدهایی داشتند که به اهمال در کیسه روز این عیدها جابه‌جا می‌شد. از جمله این اعیاد یکی روز اول فروردین ماه یعنی نوروز بود که روز بس بزرگ است که به علت زنده شدن طبیعت گویند.

آغاز خلقت جهان در آن روز بوده است. چنین به نظر میرسد که پنج روز نخستین سال «نوروز عامه» یعنی جشن همگانی بود. حال آنکه روز ششم که «خرداد روز» نام داشت، «نوروز خاصه» یعنی جشن پادشاهان و بزرگان بوده است.

روایت دیگر این است که در این روز ویژه (یکم فروردین)، جمشید، پادشاه پیشدادی، بر روی تخت طلائی نشسته بود در حالیکه مردم او را روی شانه‌های خود حمل می‌کردند. آنها پرتوهای خورشید را بر روی پادشاه دیدند و آن روز را جشن گرفتند.

با استناد بر نوشته‌های بابلی‌ها، شاهان هخامنشی در طول جشن نوروز در ایوان کاخ خود نشسته و نمایندگانی را از استان‌های گوناگون که پیشکش‌هایی نفیس همراه خود برای شاهان آورده بودند می‌پذیرفتند. گفته شده که داریوش کبیر، یکی از شاهان هخامنشی (۴۲۱ - ۴۸۶)، در آغاز هر سال از پرستش‌گاه بال مردوک، که از خدایان بزرگ بابلیان بود دیدن می‌کرد.

همچنین پارتیان و ساسانیان همه ساله نوروز را با برپایی مراسم و تشریفات خاصی جشن می‌گرفتند. صبح نوروز شاه جامه ویژه خود را پوشیده و به تنهایی وارد کاخ میشد. سپس کسی که به خوش قدمی شناخته شده بود وارد میشد و سپس والامقام‌ترین موبد در حالی که همراه خود فنجان، حلقه و سکه‌هایی همه از جنس زر، شمشیر، تیر و کمان، قلم، مرکب و گل داشت در حین زمزمه دعا وارد کاخ میشد.

پس از موبد بزرگ مأموران حکومت در صفی منظم وارد کاخ شده و هدایای خود را تقدیم شاه می‌کردند. شاه پیشکش‌های نفیس را به خزانه فرستاده و باقی هدایا را میان حاضران پخش می‌کرد. ۲۵ روز مانده به نوروز، دوازده ستون با آجرهای گلی در محوطه کاخ برپا شده، و دوازده نوع دانه گیاه مختلف بر بالای هر یک از آنها کاشته می‌شد.....

وب سایت قرض الحسنه

وب سایت قرض الحسنه فامیلی شهدای نریمانی در سال ۱۳۹۲ به صورت رسمی افتتاح گردیده دست اندرکاران وبسایت خوشحال می‌شوند نظر تک تک اعضا را در باره کیفیت این سایت بدانند.

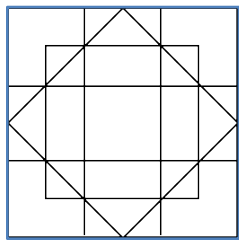
فکر نمی‌کنیم در مقابل زحماتی که کشیده شده است، چند ثانیه وقت زیادی باشد که برای نوشتن نظر خودتان صرف کنید

اطلاعیه افزایش مبلغ تسهیلات

با توجه به جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۲ اعضا هیئت مدیره مبلغ تسهیلات در سال ۱۳۹۴ به یک میلیون تومان افزایش یافت (با اقساط ۱۲ ماه)

هوش سرگرمی (۱۲)

در شکل زیر چند مربع پیدا می‌کنید؟



(ارسال جواب به شماره ۰۳۳۱۰۰۰۴۰۶۰۳۳۱ آخرین فرصت ۱۳۹۳/۰۱/۱۰)

ضمن تشکر از شرکت کنندگان، جواب سوال شماره (۱۲): گزینہ (د) تاریخ تاسیس ۱۳۸۲/۰۷

ضمن تشکر از شما همراه گرامی:

لطفاً پیشنهادات و انتقادات خود را جهت بهبود بولتن با ما در میان بگذارید، همچنین شما می‌توانید مقالات و مطالب خود را از طریق پیامک، سایت و یا ایمیل صندوق برای ما ارسال نمایید تا با نام خودتان در بولتن چاپ گردد.